

# مطالبات عمرانی شهروندان اسلام آباد با جدیت پیگیری می شود



معاون شهرداری اسلام آباد، شهر کرچ، در جلسه‌ی یادداشت منطقه‌اسلام آباد با شهروندی مدیر منطقه ۱ شهرداری و رئیس طرح سالمندگی تپه مرادآب، اظهار کرد: رسیدگی به مطالبات مردم این محدوده به‌ویژه در حوزه‌های روشنایی معابر، نصب پایه و چراغها و بهسازی و اسفالت مسیرها در اولویت مدیریت شهری قرار دارد.

به گزارش پیام آشنا، جحناسلام علی‌رضا

سعیدی با اشاره به درخواست‌های مردمی مبنی بر تداوم و امتداد خیابان شریعتی تا انتهای بلوار افزود: در این بازدید میدانی، مسائل و نیازهای زیرساختی منطقه بررسی و مقرر شد اقدامات لازم با هدف ارتقای ایمنی، رفاه و رضایتمندی شهروندان با سرعت بیشتری اجرایی شود. حضور شورای اسلامی شهر کرچ تأکید کرد: حضور میدانی و ارتباط مستقیم با مردم، نقش مؤثری در تصمیم‌گیری‌های دقیق و تسریع در اجرای پروژه‌های عمرانی دارد.

## پرونده‌های معوق شهرسازی کرچ تا پایان سال تعیین تکلیف می شوند



معاون شهرداری و معماری شهرداری کرچ، از بررسی پرونده‌های بلا تکلیف تدوین برنامه‌های اصلاحی در حوزه صدور پرونده اجرائی مقررات جدید و افزایش نظارت بر ساختوسازهای حریم شهر در جلسه شورای معاونین شهرداری مناطق خبر داد.

به گزارش پیام آشنا، احسانه احمدی‌پرگو در ابتدای این جلسه با اشاره به ضرورت تعیین تکلیف پرونده‌های املاکی که فرآیند صدور پایان کار آن‌ها از سال ۱۳۸۸ تاکنون به دلایل مختلف متوقف یا مسکوت مانده گفت: این پرونده‌ها در دو گروه دسته‌بندی شده‌اند. گروه نخست شامل پرونده‌هایی است که امکان تکمیل نواقص و ادامه روند قانونی صدور پروانه در آن‌ها وجود دارد و باید بدون تأخیر در مسیر قانونی قرار گیرند. گروه دوم نیز مربوط به پرونده‌هایی است که به دلیل ملاحظات حقوقی یا اعتراض مراجع ذیصلاح همچنان در وضعیت اعاده بلا اقدام مانده‌اند. برای تعیین تکلیف این پرونده‌ها جلسات مشترکی با واحد حقوقی برگزار خواهد شد. معاون شهرداری کرچ با اشاره به این آیین‌نامه تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون الزام

مخض اعلام آمادگی اداره ثبت‌فرایند جدیدی به صورت الکترونیکی اجرا خواهد شد. وی درباره بلایغ اخیر دوات برای نصب پتل خورشیدی در ساختمان‌هایی که پروانه آن‌ها از نیمه دی‌ماه ۱۴۰۴ به بعد صادر می‌شود، گفت: با لازم‌الاجرا شدن این الزام، ممکن است چالش‌هایی در حوزه هزینه و نحوه اجرا ایجاد شود. معاونین مناطق و دفاتر فنی باید مشکلات را رعایت کنند تا از بروز مشکلات حقوقی احتمالی جلوگیری شود. احمدی‌پرگو همچنین به گزارش سازمان فوادر اجرای این خصوص اشاره کرد و گفت: بستر الکترونیکی اجرای این آیین‌نامه در شهرداری آماده شده و به

آتش‌نشانی در این جلسه خبر داد و افزود: چکلیست دقیقی برای بررسی الزامات ایمنی تدوین شده و آموزش نیروهای دفاتر فنی مناطق افزایش خواهد یافت. همچنین نماینده‌ای از سازمان آتش‌نشانی در معاونت‌های شهرداری مستقر می‌شود تا تسهیل امور و هماهنگی‌ها انجام شود. وی تأکید کرد: اجرای این اقدامات می‌تواند زمان بررسی‌های ایمنی را کاهش، دقت کنترل پروژه‌ها را افزایش و خطاهای احتمالی را به حداقل برساند. احمدی‌پرگو با اشاره به راه حل‌ها برساند. احمدی‌پرگو با اشاره به محدودیتهای پرونده‌های حریم شهر گفت: این مناطق به چند زون تقسیم شده و به مناطق بلایغ شده است. وی ادامه داد: مناطق باید با استفاده از بازدهی‌های میدانی، تصاویر ماهواره‌ای و عکس‌های هوایی، ساختوسازها را رد کنند و در صورت مشاهده تخلف، پرونده تشکیل یا موضوع به کارگروه زیربنایی ارجاع شود. معاون شهرداری کرچ در پایان تأکید کرد: سامان‌دهی پرونده‌های معوق، اجرای مقررات جدید ارتقای ایمنی و مدیریت ساختوسازهای حریم از اولویت‌های جدی ما در ماه‌های پیش‌روست و تلاش می‌کنیم روند خدمت‌رسانی در حوزه شهرداری با شفافیت و انصاف بیشتری پیش‌برود.



## دیدگاه اهمیت معماری تحقق نیافته به ندرت به ما یادآوری می شود

ما در خصوص چیسیتی معماری با نوعی اسکیزوفرنی (یا روان‌گسختی) مواجه هستیم. به‌عنوان آموزش‌ناده شده که تصور کنیم معماری از ما باید ساخته شود. «فناقی» باشد و با «خواست‌های کارفرما» مطابقت داشته باشد. اما به ندرت اهمیت معماری تحقق نیافته (که با اجتناب قضاوت‌گرانه «معماری کافذی» خوانده می‌شود) و نقش بنیادین که این نوع معماری در طول تاریخ در توسعه این رشته ایفا کرده، به ما یادآوری می‌شود. تنها کافی است به «جوامع» «لوکوبوری» یا «کلتور کلتورستی» روسی و دیگران ببینیم؛ کسانی که بهترین پروژه‌هایشان در بستر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زمان خود غیرقابل اجرا بودند. پروژه‌هایی نمایان که بدیل‌های «سکن» را به نمایش می‌گذاشتند. من بر این باورم که این حوزه‌های حیاتی برای پژوهش است. باید حجم قبل توجهی از این نوع معماری کافذی توسط مدارس معماری تولید و منتشر شود و مورد ترویج و حمایت قرار گیرد. صرفاً آموزش معماران برای اینکه بدانند چگونه «بازنده» کافی نیست؛ امری که در کلاس درس پیش از حد انتزاعی است و تنها از طریق تجربه می‌توان آن را آموخت. در گفتگو با Jgor Kovacevic منتشر شده در کتاب Urbanity: Twenty Years Later. Projects for Central European Capitals (۲۰۱۱) سال منبع: گفتار

## محیط زیست

### تامین حق آبه برای تالاب یا گردو غبار برای شهر؟

معاون محیط زیست طبیعی استان قم با هشدار درباره پیامدهای خشکی تالابها، تأکید کرد: تأمین حق آبه برای تالاب یا گردو غبار برای شهر؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، اسماعیل احمدی‌زاده با تأکید بر جایگاه بی‌بدیل تالاب‌ها در حفظ تعادل اکولوژیکی بیان کرد: تالاب‌ها جزه مناطق مهم و ارزشمند محیط‌زیستی به‌شمار می‌روند و نقش آن‌ها در تأمین امنیت زیستی و معیشت پایدار انکارناپذیر است.

## وقتی محیط زیست خبر نیست، زندگی است

نسترن کیوان پور - صبح هنوز کامل روشن نشده است. هوا بوی کثیفی می‌دهد، نه بوی زندگی و آرامش. آدم‌ها در ایستگاه اتوبوس ایستاده‌اند، بعضی ماسک دارند، بعضی نه؛ اما همه یک‌جور نفس می‌کشند: کوتاه، محتاط، ناام. آلودگی هوا دیگر تیر اثرناظری صفحه اول نیست. به بخشی از ریتم زندگی شهری تبدیل شده؛ چیزی میان عادت و اجبار. روزنامه‌نگار محیط‌زیست در چنین صبحی دنبال عدد و شاخص نیست، دنبال روایت است؛ این که نفس کشیدن چگونه به تجربه‌های روزمره و فرساینده بدل شده است. در جایی دیگر، یجران آب نه با صدای انفجار، که با سکوت پیش می‌رود قناتی که کم‌کم می‌شود، چاهی که شور یالای می‌آورد، رودخانه‌ای که عقب می‌نشیند. آب یک‌باره نمی‌رود آرام عقب می‌کشد و زندگی را یا خود می‌برد. روزنامه‌نگاری محیط‌زیست، اگر دقیق باشد، باید همین عقب‌نشینی تدریجی را ثبت کند؛ فاجعاتی که آرام است، اما مداوم.

## روایتی از روزنامه‌نگاری محیط‌زیستی در ایران

### وقتی محیط زیست خبر نیست، زندگی است

از جنگلیانی که دیر خیر شده است. جنگل که می‌سوزد، فقط پوشش گیاهی از بین نمی‌رود؛ حافظه جمعی، معیشت محلی و احساس امنیت هم می‌سوزد. خیرنگار محیط‌زیست اگر این لایه‌ها را نبیند، فقط سوختن چوب را گزارش کرده، نه سوختن زندگی را. یجران آب شاید اجتماعی‌ترین مسئله محیط‌زیستی ایران باشد. چون مستقیم وارد خانه می‌شود؛ وارد ظرف‌شویی، حمام، کزن، کولر و می‌جارت. در گزارش‌های آب، اغلب از میلیارد مترمکعب حرف زده می‌شود، اما کمتر از اضطراری که هر تالیست‌یرمی‌گردد. روزنامه‌نگاری وقتی با کولرهای حرف می‌زند که زمینش ترک خورده یا یا خانواده‌ای که روستا همان‌جا که کیفیت هوا یا کیفیت زندگی گره می‌خورد. در آتش‌سوزی جنگل‌ها، روایت از درخت شروع نمی‌شود؛ از آدم‌ها شروع می‌شود. حتی وقتی دیگر ترند نیست، نوشتن از آلودگی هوا در روزهایی که همه به آن عادت کرده‌اند.

یگرگشتن به جنگلی که دیگر سوزده داغ نیست. پیگیری آبی که سال‌هاست کم می‌شود و کسی از آن تعجب نمی‌کند. این نوع روزنامه‌نگاری نه قهرمان‌سازی می‌خواهد، نه سیاه‌نمایی. می‌خواهد واقعیت را همان‌طور که هست، انسانی و قابل لمس نشان دهد. بدون شعار، بدون بزرگ‌نمایی، چون محیط‌زیست، صحنه نمایش نیست؛ زمینه زندگی است. شاید مهم‌ترین نقش روزنامه‌نگار محیط‌زیست این باشد که نگارنده یجران‌ها نمرتی شوند. وقتی آلودگی، آتش و کم‌آبی عادی می‌شوند، نوشتن تبدیل به مقلوتم اجتماعی می‌شود؛ مقلوتمی آرام اما مداوم. ثبت آن‌چه دیده می‌شود، پیش از آن که کلاملاز دست برود. محیط‌زیست حرف نمی‌زند. ما آدم‌ها زندگی می‌کنند، نفس می‌کشند، می‌سوزند و می‌مانند. روزنامه‌نگاری محیط‌زیستی، اگر اجتماعی باشد، دقیقاً همین‌جا معنا پیدا می‌کند: در روایت زندگی، نه فقط طبیعت.

روزنامه‌نگاری محیط‌زیستی در ایران، بیش از آن که درباره طبیعت باشد، درباره جامعه است. درباره بن‌هایی که آلودگی را تحمل می‌کنند، دست‌هایی که آتش را خاموش می‌کنند، و خانواده‌هایی که یا کم‌آبی تصمیم به رفتن می‌گیرند. این شاخه از روزنامه‌نگاری، با عدد شروع می‌شود اما با انسان معنا پیدا می‌کند. در روزهای آلوده گزارش فقط درباره ذرات معلق نیست. درباره ماری‌ست که کودک آسمی‌اش را به مدرسه نمی‌فرستد، کارگری که نمی‌تواند مرخصی بگیرد، سالمندی که نفس‌تنگی پیرایش انتخاب نیست. آلودگی هوا مرز نمی‌شناسد، اما اثرش یکسان نیست. این‌جا روزنامه‌نگار، شاهد نابرابری‌های خاموش است؛ همان‌جا که کیفیت هوا یا کیفیت زندگی گره می‌خورد. در آتش‌سوزی جنگل‌ها، روایت از درخت شروع نمی‌شود؛ از آدم‌ها شروع می‌شود. حتی وقتی دیگر ترند نیست، نوشتن از آلودگی هوا در روزهایی که همه به آن عادت کرده‌اند.

